

بایسته‌های حمایت از اطفال بزه‌دیده

دکتر باقر انصاری^۱ - اسماعیل انصاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۳

چکیده

یکی از قشرهای آسیب‌پذیر جامعه در برابر جرم، کودکان هستند. کودکان به دلیل داشتن وضعیت جسمانی و روانی ضعیف، در برخی از موارد به عنوان بزهکاران انتخاب می‌شوند. از این رو، فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح بین‌الملل و سطح داخلی برای حمایت از کودکان بویژه کودکان بزه‌دیده در حال انجام است. اندیشه حمایت از کودکان باعث ایجاد سیستم افتراقی در نظام حقوقی کشورها شده است. نظام افتراقی از دو سازوکار برای حمایت از کودکان بزه‌دیده بهره می‌برد: نخست، سازوکار جرم‌انگاری، یعنی قانونگذار ارتکاب برخی از رفتارهای بزهکارانه را بر روی اطفال برای حمایت بیشتر از آنها جرم می‌داند؛ ثانیاً، سازوکار تشدید مجازات، بدین معنا که طفل بودن بزه‌دیده عاملی برای تشدید مجازات بزهکار است.

حمایت‌های قضایی، تنها بخشی از حمایت‌هایی است که برای بزه‌دیدگان، شناسایی شده است. امروزه علاوه بر حمایت‌های قضایی، بر حمایت‌های مالی، عاطفی و روانی و اجتماعی از بزه‌دیدگان برای بازگشت به جامعه تاکید می‌شود. در این میان، به نظر می‌رسد اطفال بزه‌دیده بیش از همه به این حمایت‌ها نیاز دارند، زیرا آثار جسمانی و روانی بزهکاری بر روی این قشر از بزه‌دیدگان بیش از سایر بزه‌دیدگان است. از این رو، پاک‌کردن چهره جرم از جسم و روان آنها به زمان و هزینه بیشتری نیاز دارد.

کلید واژگان: طفل بزه‌دیده، طفل در معرض خطر، طفل بزهکار، حمایت‌های قانونی، حمایت‌های مالی و عاطفی، حمایت‌های محیطی.

Email: B_Ansari@sbu.ac.ir

Email: Ansarismail@gmail.com

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

مقدمه

شخصیت آسیب‌پذیر کودک، قانونگذاران را بر آن داشته است تا با وضع قوانین و مقرراتی در صدد حمایت‌های خاص از این قشر جامعه برآیند. امروزه کودکان در کانون توجه کلیه نهادها، بویژه نهادهای آموزشی و پرورشی قرار دارند. حمایت از کودک در متون قانونی مانند قانون مدنی، قانون کار و قانون مجازات، نمود یافته است. این تحول و بیداری در سطح بین‌الملل نیز وجود داشته است و کنوانسیون‌هایی برای حمایت از اطفال به تصویب رسیده است که مهمترین آن کنوانسیون حمایت از حقوق کودک (۱۹۸۹) مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. این کنوانسیون به دنبال اعلامیه‌های حقوق کودک سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۵۹ و در پی ایجاد یونسف در سال ۱۹۴۶ شکل گرفته است. اما این کنوانسیون هیچ‌گونه اثر الزام‌آور نداشته و دولت‌ها در اجرا یا عدم اجرای مفاد آن آزاد هستند و تنها ضمانت عدم اجرای آن تقییح و سرزنش مجامع بین‌المللی است. حقوق‌دانان از تصویب کنوانسیون حقوق کودک، سه هدف عمده را دنبال می‌کردند: نخست، کودک یک انسان بالقوه است و باید از تمامی حقوق انسانی به طور کامل برخوردار گردد، ولی به علت عدم بلوغ به حمایت‌های خاص نیاز دارند. ثانیاً، این حمایت‌ها بر عهده خانواده است و کنوانسیون نقش ممتازی را برای خانواده قائل شده است. ثالثاً، تمامی تلاش‌ها باید در راستای منفعت کودک، به منظور حمایت و مراقبت‌های ضروری برای رفاه و آسایش او در یک محیط مناسب و برای رشد و بالندگی مطلوب او جریان یابد. اهمیت حمایت‌های خاص از اطفال، شورای اروپا را بر آن داشته تا توصیه‌نامه‌هایی برای اعضای شورا در زمینه سوءاستفاده جنسی، هرزه‌نگاری، فحشا و قاچاق کودکان تصویب کند. بازتاب‌های این توصیه‌نامه‌ها را می‌توان در قوانین جزایی کشورهای عضو شورای اروپا مشاهده کرد برای مثال، قانون جزای جدید فرانسه (۱۹۹۴) به طور خاص به حمایت از اشخاص ضعیف و آسیب‌پذیر پرداخته و در قوانین بعدی مانند قانون ۴ مارس ۲۰۰۲ درباره صلاحیت والدین، در قانون ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ و قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳ درباره امنیت داخلی کودک و در قانون ۴ آوریل ۲۰۰۶ در مورد پیشگیری و مجازات خشونت‌های ارتكابی علیه کودکان سخن گفته است.^۱ به طور کلی، جرم‌شناسان دو دلیل برای حمایت از کودک بزه‌دیده بیان می‌کنند: نخست، کودک از نظر جسمانی و روانی، موجود ضعیفی محسوب می‌شود و از این منظر او یک بزه‌دیده پنهان

۱. بوریکان، جک، کودک بزه‌دیده در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۹۱.

است. ثانیاً، کودک در آینده یک بزرگسال است و باید از رفتارهای خشنی که می‌تواند به کودک تحمیل گردد یا به دنبال سوء معاشرت، او را در ورطه بزهکاری گرفتار سازد اجتناب کرد. وضعیت و موقعیت آسیب‌پذیر اطفال به لحاظ جسمانی، روانی و اجتماعی باعث ایجاد یک سیستم حمایتی افتراقی از آنها در نظام حقوقی کشور ما شده است. این سیستم افتراقی از دو ساز و کار برای حمایت از اطفال بهره می‌جوید: نخست، جرم‌انگاری برخی از رفتارها که به جسم، روان، اخلاق و وضعیت اجتماعی طفل لطمه می‌زند مانند تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱) که ماده ۲ این قانون مقرر کرده است: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد ممنوع است». ثانیاً، ساز و کار تشدید مجازات بزهکارانی که بر روی اطفال مرتکب بزه شده‌اند یا به عبارت دیگر کودکان را به عنوان بزه‌دیده انتخاب کرده‌اند مانند مواد ۶۲۱ ق.م.ا. درباره ربایش اطفال، مواد ۶۲۲، ۶۲۳ و ۶۲۴ در زمینه حمایت از جنین و ماده ۶۳۳ در زمینه رها کردن طفلی که قادر به مراقبت از خود نمی‌باشد. یکی از چالش‌های اساسی در زمینه حقوق کودک، تعریف طفل است. هر یک از کشورها با توجه به وضعیت اجتماعی حاکم بر جامعه دست به تعریف کودک زده‌اند. این در حالی است که قوانین بین‌المللی تعریفی را از کودک پذیرفته‌اند که با تعریف قوانین داخلی تا حدودی متفاوت است. در ادامه به تبیین مفهوم کودک در قوانین و اسناد داخلی و بین‌المللی می‌پردازیم. سپس برخی تدابیری که کشورها در زمینه حمایت از اطفال بزه‌دیده در قوانین خود گنجانده‌اند را مطالعه کرده و به مقایسه تطبیقی آن با قوانین داخلی می‌پردازیم.

گفتار اول: مفهوم طفل و دسته‌بندی اطفال در نظام عدالت کیفری

بند اول: مفهوم طفل در حقوق کیفری

قبل از پرداختن به حقوق طفل بزه‌دیده باید مفهوم طفل در نظام حقوقی تبیین شود تا به درستی مشخص شود زمانی که از حقوقی برای افرادی سخن گفته می‌شود، آن افراد چه کسانی هستند. کنوانسیون حقوق کودک، در ماده یک در تعریف کودک می‌گوید: «از نظر کنوانسیون، منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». از دیدگاه برخی اولاً، این کنوانسیون تنها شامل افرادی است که به سن ۱۸ سال نرسیده‌اند. ثانیاً، سن ارائه شده در کنوانسیون، یک سن مطلق نیست بلکه بر اساس قوانین داخلی متغیر است زیرا طول مدت بلوغ و نوجوانی در جوامع مختلف متفاوت است. ثالثاً، سن ۱۸ سال در کنوانسیون، هم سن بلوغ است و هم سن رشد. یعنی سنی که شخص با رسیدن به آن اهلیت اجرای تمام حقوق خود را داشته باشد. در غیر این صورت با توجه به اختلاف قوانین داخلی در زمینه

سن بلوغ و رشد باید به آن اشاره می‌شد.^۱ در قانون مجازات اسلامی دو رویکرد نسبت به سن طفل قابل مشاهده است: نخست، رویکردی که در آن قانونگذار از اصطلاح طفل، نابالغ و صغیر استفاده کرده است بدون اینکه اشاره‌ای به سن کند مانند ماده ۴۹، بند ۱ ماده ۵۹، ۴۰۱، ۴۰۰، ۸۳، ۶۳۱ و ۶۳۲ و غیره.

ثانیاً، رویکردی که در آن قانونگذار سن طفل را تعیین کرده است مانند ۱۵ سال در ماده ۶۲۱، ۱۸ سال در قانون قاچاق انسان، ۱۸ سال در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان. اما مهمترین ماده‌ای که در قانون مجازات اسلامی در زمینه مسئولیت کیفری اطفال وجود دارد ماده (۴۹) است. ماده ۴۹ ق.م.ا. مقرر کرده است: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد. تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.» بر این اساس، به حد بلوغ شرعی رسیدن موجب مسئولیت کیفری اطفال می‌شود اما در این ماده بلوغ شرعی که منظور قانونگذار است تعیین نشده است.^۲ از این رو، برخی برای تعیین بلوغ شرعی به ماده ۱۲۱۰ ق.م.م. مراجعه می‌کنند.^۳ در تبصره ماده ۱۲۱۰ ق.م. سن بلوغ برای پسر پانزده سال تمام قمری و برای دختر نه سال تمام قمری تعیین شده است. بنابراین، پسر با رسیدن به سن ۱۵ سال و دختر با رسیدن به سن ۹ سال قمری دارای مسئولیت کیفری می‌شود. همچنین، از آنجا که رعایت سن اعمال شده در کنوانسیون برای کشورها الزامی نمی‌باشد، رویه قضایی ما نیز در زمان تعارض قوانین داخلی با کنوانسیون حقوق کودک، قوانین داخلی را برتر دانسته است.^۴ اما با تصویب قانون

۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه حقوق مربوطه حقوق کودک، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۲. نظریه ۷/۱۵۱۳-۱۳۸۰/۲/۱۶ ا.ح.ق. با توجه به فتاوی معتبر فقهای اسلام خصوصاً نظر حضرت امام در تحریر الوسيله رویدادن موی زهار از امارات بلوغ است و کسی که این اماره در او دیده شود بالغ است هر چند به سن ۱۵ سال نرسیده باشد زیرا سن در امر بلوغ موضوعیت ندارد و آن هم از امارات است، تبصره ماده ۴۹ ق.م.ا. هم حد بلوغ شرعی را ذکر کرده است نه سن بلوغ شرعی.

۳. ماده ۱۲۱۰ - «هیچ‌کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. تبصره ۱ - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.»

۴. نظریه ۷/۴۲۱۸-۱۳۸۸/۷/۱۲-۷/۱۲ ا.ح.ق. با توجه به متن ماده واحد قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک که مقرر داشته «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود مشروط به آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم الرعایه نباشد» اساساً در موارد تعارض قوانین داخلی ایران و مقررات کنوانسیون حقوق کودک، قوانین داخلی ایران قابل

«حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱» قانونگذار تحولی در زمینه سن اطفال به وجود آورده است. در ماده ۱ این قانون مقرر شده است: «کلیه اشخاصی که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهرمنند می‌شوند». بر اساس این ماده منظور از طفل، کسی است که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده است. به نظر می‌رسد قانونگذار دو رویکرد متفاوت را در زمینه سن کودک اتخاذ کرده است: نخست، در جایی که طفل مرتکب بزه می‌شود ملاک تعیین مسئولیت کیفری را ماده ۴۹ ق.م.ا. قرار داده است که در آن بلوغ شرعی یعنی ۹ سال برای دختر و ۱۵ سال قمری برای پسر سن مسئولیت کیفری است. ثانیاً، در جاییکه بزهدیده از جرم، کودک است سن ۱۸ سال شمسی را ملاک کودک به حساب آمدن قرار داده و در این میان فرقی بین پسر و دختر قائل نشده است. کشورهای دیگر نیز علاوه بر پذیرش سن ۱۸ سال بیان شده در کنوانسیون حقوق کودک، در قوانین داخلی نیز سن مسئولیت کیفری را تعیین کرده‌اند که برخی از آنها به این قرار است: قانون مجازات آذربایجان مقرر کرده است: ماده ۱-۲۰- «شخصی که در زمان ارتکاب جرم به سن ۱۶ سال رسیده باشد مسئولیت کیفری دارد. ۲-۲۰- اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم به سن ۱۴ سال رسیده‌اند به دلیل ارتکاب جرایم قتل عمدی، آسیب عمدی به بهداشت،... مسئولیت کیفری دارند». در کد کیفری عمومی ۱۴ مارس ۲۰۰۴ ایرلند پیش‌بینی شده است: «شخصی که به سن ۱۵ سال نرسیده است در صورت ارتکاب جرم قابل مجازات نیست». در حقوق فرانسه، از سال ۱۹۷۴، «صغیر به شخصی اطلاق می‌شود که به سن ۱۸ نرسیده باشد».^۱

بند دوم: دسته‌بندی اطفال در نظام عدالت کیفری

به طور کلی، اطفال در نظام عدالت کیفری به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اطفال بزهدکار^۲

در بسیاری از موارد مرتکبان جرایم افرادی هستند که به سنی نرسیده‌اند تا مسئولیت کیفری داشته باشند. وضعیت روحی، جسمانی و اخلاقی اطفال و تاثیر پذیری آن از فرآیندهای رسیدگی رسمی

اجراست. زیرا طبق تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ و تبصره ۱ ماده ۴۹ ق.م.ا. منظور از طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق.م.ا. سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است. بنابراین، اشخاصی که بر اساس قوانین مذکور بالغ شده باشند اعم از اینکه سن آنها به ۱۸ سال رسیده یا نرسیده باشد در صورت ارتکاب هر گونه جرمی، صرف نظر از اینکه مجازات تعیین شده برای آن جرم حد، قصاص یا اعدام یا مجازات‌های دیگر باشد قوانین جزایی ایران در مورد این اشخاص لازم‌الرعايه است و از شمول کنوانسیون حقوق کودک خارج می‌باشند.

1. Cipriani, Don, *Children's rights and the minimum age of criminal responsibility: a global perspective*, Published by Ashgate Publishing, 2009, 188-190.
2. Juvenile Offenders

باعث شده است که نظام رسیدگی خاصی برای این قبیل از بزهکاران با عنوان نظام دادرسی اطفال بزهکار^۱ ایجاد شود و مجازات‌هایی که برای آنها در نظر گرفته می‌شود متفاوت از مجازات افراد بزرگسال باشد.^۲ در این زمینه دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه ۶۵۱ - ۱۳۷۹/۸/۳ بیان کرده است: «تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته که به کلیه جرایم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عمومی در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود و نظر به اینکه فلسفه وضع قانون دادگاه اطفال مبتنی بر تربیت و تهذیب می‌باشد و نیز خصوصیات جسمانی و روانی و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار ایجاب کرده که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از مجرم دادگاه خاصی را در مورد رسیدگی به مطلق جرایم آنها تشکیل دهد». همچنین، قانونگذار مواد ۲۱۹ تا ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ را به نحوه رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص داده است. در این قانون، برای رسیدگی به جرایم اطفال دادگاه اختصاصی تشکیل می‌گردد، احضار طفل از طریق والدین صورت می‌گیرد، دادگاه به صورت غیرعلنی برگزار می‌شود و غیره.

ب) اطفال بزه‌دیده^۳

گاهی اطفال، بزه‌دیده جرایم هستند یعنی بزهکار آنها را به دلیل وضعیت جسمانی، روانی و اجتماعی خاصی که دارند به عنوان بزه‌دیده انتخاب می‌کند. اطفال ممکن است قربانی جرایمی چون قتل، خشونت‌های خانگی، تجاوز، ضرب و جرح، آسیب‌های روانی و ممانعت از ادامه تحصیل شوند. از این رو، قانونگذاران از دو جهت به حمایت از آنها می‌پردازند. نخست، جرم‌انگاری رفتارهایی مانند کودک آزاری، آزار و اذیت کودکان که به بهداشت و سلامت جسمانی و روانی کودک صدمه وارد می‌سازد. ثانیاً، در صورتی که بزه‌دیده طفل است، مجازات مرتکب تشدید می‌شود مانند جایی که سن شخص ربوده شده کمتر از ۱۵ سال است، وادار کردن کودکان به استعمال مواد مخدر، قاچاق آنها. افزایش حمایت‌ها از اطفال بزه‌دیده در نظام‌های حقوقی باعث ایجاد یک سیستم مستقل نظام عدالت کیفری اطفال بزه‌دیده^۴ شده است. نظام عدالتی که در آن نهادها و سازمان‌های مختلف مانند پلیس، دادسرا، دادگاه، نهادهای حمایتی از بزه‌دیدگان و مراکز بهداشت و درمان برای حمایت از اطفال بزه‌دیده با یکدیگر همکاری می‌کنند.^۵ در نظام حقوقی ما نیز به دلیل حمایت از اطفال و نوجوانان بزه‌دیده بر اساس بخشنامه شماره ۱/۸۱/۱۸۴۲۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ رییس قوه قضاییه واحدی به عنوان دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان در نهاد قوه

1. Juvenile Offender Justice System

2. Lab, Steven P. & John T. Whitehead, **juvenile justice**, 21st century criminology, editor, J. Mitchell Miller, SAGE Publications, 2009, p.702.

3. Juveniles as Victims

4. juvenile victim justice system

5. Finkelhor, David, with contributors, **Childhood victimization : violence, crime, and abuse in the lives of young people**, Published by Oxford University Press, 2008, p.148.

قضایه و دفاتری تحت نظر روسای کل دادگستری در هر استان تاسیس می‌شود که یکی از اهداف آن حمایت اطفال و نوجوانان بزه‌دیده است.^۱

پ) اطفال در معرض خطر

طفل در معرض خطر به کسی اطلاق می‌شود که سلامت، امنیت، تمامیت اخلاقی و تربیت او در جامعه به مخاطره افتاده است. در این میان، به خطر افتادن تربیت طفل یکی از شرایط اساسی برای در معرض خطر شناخته شدن طفل بیان می‌شود. در تعریف خطر گفته می‌شود: «خطر چیزی است که امنیت و وجود یک شخص یا شیء را تهدید می‌کند یا به مخاطره می‌اندازد».^۲ در یک تقسیم‌بندی، انواع خطر عبارت است از: نخست، خطر سلامتی مانند جایی که والدین طفل از دادن اجازه درمان پزشکی یا جراحی که ادامه حیات طفل به آن بستگی دارد امتناع می‌کنند یا اینکه یکی از والدین طفل را در وضعیتی قرار می‌دهد که دیگر درمان وی ممکن نباشد. سلامت روانی طفل نیز ممکن است در معرض خطر بیافتد و آن زمانی است که یکی از والدین طفل را در دوران کودکی نگه می‌دارد و سبب ایجاد تغییراتی بین سن روانی و رفتار وی می‌شود که رشد متوازن او را مختل می‌سازد. ثانیاً، گاهی امنیت طفل در معرض خطر است مانند جایی که طفل مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد، کودک تحت خشونت‌های جسمانی-جنسی قرار دارد یا دوجار سوء تغذیه است. همچنین، امنیت روانی کودک ممکن است در مواردی مانند قربانی شدن طفل به دلیل اختلافات پدر و مادر در معرض خطر قرار گیرد. ثالثاً، در برخی موارد تمامیت اخلاقی طفل در معرض خطر قرار می‌گیرد مانند جایی که یکی از والدین روابطه جنسی نامشروع دارد یا بزهکار است. از سوی دیگر، شیوه زندگی پدر و مادر می‌تواند تمامیت اخلاقی کودک را به مخاطره بیندازد. برای مثال، اگر پدر خانواده محکومیت‌های ناشی از اتهامات قوادی یا خشونت علیه مادر را داشته باشد یا مادر روابطی

۱. بخشنامه شماره ۱/۸۱/۱۸۴۲۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ رییس قوه قضاییه به روسای کل دادگستری سراسر کشور: نظر به ضرورت ارتقای کیفیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار و نیز حمایت از اطفال و نوجوانان بزه دیده و ضرورت حمایت از حقوق زنان مقرر می‌گردد، واحدی به عنوان دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان در نهاد قوه قضاییه و دفاتری تحت نظر روسای کل دادگستری در هر استان تاسیس و نسبت به انجام امور ذیل اقدام نمایند:

۱- نظارت بر روند رسیدگی به پرونده های مربوط به زنان، اطفال و نوجوانان بزهکار به ویژه در جهت تسریع در رسیدگی، صدور احکام تناسب و اهتمام به اصلاح و تربیت آنان،

۲- حمایت از زنان، اطفال و نوجوانان بزه دیده،

۳- ارتقای کیفی آموزش قضات دادگاههای اطفال.

لازم است، گزارش انجام موارد مذکور مرتباً به واحد مذکور در نهاد قوه قضاییه ارسال گردد.

۲. ایولاسان، ژان، صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه: مددکاری تربیتی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸.

مخالف با قواعد اولیه اخلاق و زندگی اجتماعی داشته باشد، اخلاق طفل در معرض خطر قرار می‌گیرد.^۱ رابعاً، طفل زمانی در معرض خطر قرار دارد که تربیت وی در معرض خطر باشد مانند غیبت از مدرسه، انتقال ناگهانی یک طفل از یک موسسه به موسسه دیگر که ممکن است پیامدهای ناگواری داشته باشد.

حمایت از اطفال در معرض خطر به دو شکل انجام می‌گیرد: نخست، حمایت از نوع اداری، بدین معنا که با کمک واحدهایی که در زمینه کمک اجتماعی به اطفال فعالیت می‌کنند، تدابیری غیرقهرآمیز به منظور کمک به والدینی که مشکلات مادی یا تربیتی در روابط خود با فرزندانشان دارند اتخاذ کرد. این نوع از حمایت‌ها را در حقوق فرانسه مددکاری تربیتی می‌نامند. ثانیاً، حمایت قضایی، یعنی اتخاذ تدابیری که جنبه قهرآمیز دارند. در نظام حقوقی ایران حمایت از اطفال در معرض خطر پیش‌بینی شده است به گونه‌ای که در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به دادگاه اجازه داده شده در صورتی که در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل در حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، در صورت تقاضای اقربای طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند اتخاذ کند.^۳ با این تفاوت که در این ماده به سلامت روانی و امنیت طفل پرداخته نشده است.

گفتار دوم: سازوکارهای حمایت از اطفال بزهدیده

ساز و کارهای حمایتی از اطفال بزهدیده مانند سایر بزهدیدگان می‌باشد با این تفاوت که آسیب‌پذیر بودن اطفال نسبت به سایر اقشار جامعه، حمایت‌های خاص قانونی را می‌طلبد. در این میان حمایت‌های قانونی به دو صورت قابل تحقق است: نخست، تشدید مجازات در جایی که طفل

۱. ماده ۱-۲۲۷ قانون مجازات فرانسه «عدم نظارت اخلاقی بر کودکان توسط پدران و مادرانی که بدون هیچ دلیل موجهی از انجام تکالیف قانونی خود شانه خالی می‌کنند» را جرم دانسته است. ژرار لپز، ژینا فیلیزولا، بزهدیده و بزهدیده شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند، احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ دوم ۱۳۸۸، ص ۳۸.

۲. ایولاسان، ژان، پیشین، ص ۱۲۴.

۳. ماده ۱۱۷۳- «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هریک از والدین است:

۱- اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار.

۲- اشتها به فساد اخلاق و فحشا.

۳- ابتلا به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی.

۴- سواستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق.

۵- تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف».

به عنوان آماج جرم است. ثانیاً، جرم انگاری برخی رفتارها که علیه اطفال ارتکاب می‌یابند و سلامتی جسم و روان کودک را به مخاطره می‌اندازند. علاوه بر حمایت‌های قانونی حمایت‌های مالی، عاطفی و روانی و پزشکی نیز از اطفال بزه‌دیده توصیه می‌شود که در ادامه به تبیین هر کدام از آنها می‌پردازیم.

بند اول: ساز و کار جرم‌انگاری

جرم‌انگاری فرآیندی است که قانونگذار برای حمایت از هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با در نظر گرفتن مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن مجازات تعیین می‌کند.^۱ در برخی از موارد قانونگذار به دلیل حمایت از جایگاه کودک در جامعه اقدام به جرم‌انگاری برخی رفتارها کرده است که بزه‌دیده آن کودک است. این جرم‌انگاری‌ها در دو حوزه قانون جزا و قوانین خاص دیگر قابل مشاهده است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

الف) جرایم علیه کودک در قانون مجازات اسلامی

۱. رهاکردن کودک

رهاکردن کودک و به مخاطره انداختن زندگی او برای اولین بار در قانون ناپلئون پیش‌بینی شد. اما در قانون جزای جدید (۱۹۹۴) این جرم عبارت است از رهاکردن تنها یک کودک کمتر از ۱۵ سال بدون اینکه اطمینانی در بازگشت او باشد. جرمی عمدی که در آن هدف جدا کردن کودک از خانواده است. مجازات پیش‌بینی شده برای آن هفت سال حبس و تا ۱۰۰۰۰۰۰ یورو جزای نقدی می‌باشد و هر گاه رهاکردن کودک منجر به معلولیت یا نقض عضو دائمی او گردد، مجازات به بیست سال حبس و اگر منجر به مرگ او شود، به حبس جنایی موبد افزایش می‌یابد.^۲

ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی به جرم انگاری رهاکردن اطفالی که قادر به حفاظت از خود نیستند اختصاص یافته است. این ماده مقرر کرده است: «هرگاه کسی شخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جائیکه دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر

۱. آقابابایی، حسین، گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت، مجله فقه و حقوق، سال دوم، تابستان ۸۴، صص ۱۱-۱۲.

۲. بوریگان، جک، پیشین، ص ۹۷.

مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد». رکن مادی این جرم به صورت فعل ناشی از ترک فعل است.^۱ این ماده صرف رها کردن طفل در مکان خالی از سکنه یا آبادی یا جایی که سکنه دارد را جرم دانسته و از این بابت جز جرایم مطلق به حساب می آید. همچنین، اگر از رفتار بزهکارانه صدمه یا آسیبی به کودک وارد شود، رها کننده به مجازات آن نیز محکوم می شود. تشخیص اینکه کودک قادر به محافظت از خود می باشد یا نه یک امر عرفی است و با توجه به اوضاع و احوال کودک با دادگاه است.

۲. عدم ارائه کودک به سرپرستان قانونی

ماده ۲۷۷-۵ قانون جزای فرانسه، رد غیر موجه ارائه کودک به شخصی که حق درخواست او را دارد، قابل مجازات دانسته است. این جرم بیشتر در مورد عدم اجرای تصمیم دادگاه یا قرارداد مورد تایید مراجع قانونی قابل تحقق است. عدم ارائه کودک از سوی والدین نیز قابل تحقق است مانند زمانی که مادری به بهانه بیماری کودک از ملاقات پدر با او جلوگیری می کند. مجازات پیش بینی شده برای این جرم یکسال حبس است و اگر کودک بیش از پنج روز، بدون اینکه کسانی که حق درخواست او را دارند، بدانند که او باز می گردد یا به طور غیر قانونی خارج از سرزمین فرانسه نگهداری شود، مجازات به سه سال حبس افزایش می یابد.^۲ قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۳۲ به جرم انگاری عدم ارائه کودک به کسی که قانوناً حق مطالبه آن دارد، پرداخته است. در این ماده مقرر شده است: «اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد». از نص ماده این گونه برداشت می شود که منظور از هر کس والدین قانونی طفل را که از آنها سلب حضانت شده، را نیز در بر گیرد. اما با توجه به ماده واحده مربوط به قانون حضانت مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۲^۳ به نظر می رسد که والدین طفل در صورت ارتکاب چنین رفتاری از شمول این ماده خارج هستند و رفتار آنها تنها تخلف از اجرای حکم دادگاه به حساب می آید چنان که رویه قضایی نیز این ادعا را تایید می کند.^۴ از سوی دیگر،

۱. گلدوزیان، ایرج، *بایسته های حقوق جزا*، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰.

۲. بوریگان، جک، *پیشین*، ص ۱۰۷.

۳. ماده واحده مربوط به قانون حضانت مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۲: ماده واحده - «چنانچه به حکم دادگاه مدنی خاص یا قایم مقام آن دادگاه، حضانت طفل بر عهده کسی قرار گیرد و پدر یا مادر و یا شخص دیگری مانع اجرای حکم شود و یا از استرداد طفل امتناع ورزد دادگاه صادر کننده حکم وی را الزام به عدم ممانعت یا استرداد طفل می نماید و در صورت مخالفت به حبس تا اجرای حکم محکوم خواهد شد».

۴. نظریه ۷/۶۰۹۵ - ۱۳۸۴/۸/۲۸. ح.ق. چنانچه به حکم دادگاه خانواده حضانت طفل به عهده کسی قرار گیرد یا مادر طفل از استرداد او امتناع ورزد و یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذی حق شود عمل وی جرم محسوب نمی شود بلکه

این جرم زمانی رخ می‌دهد که شخص از اجرای دستور یک مقام قضایی یا مراجع ذی صلاح در این زمینه امتناع می‌کند.

۳. عوض کردن انتساب یا مخفی کردن کودک

قانون جزای فرانسه سه اقدام زیر را در ماده ۱۳-۲۲۷ جرم انگاری کرده است:

نخست، عوض کردن عمدی که مبتنی بر جایگزین کردن نوزاد یک زن به جای نوزاد زن دیگری است؛ ثانیاً، اختصاص یک کودک به زنی که آن را به دنیا نیاورده است؛ ثالثاً، مخفی کردن کودک توسط مادر طبیعی که او را به دنیا آورده است، به منظور اختصاص آن به زن دیگر با انتساب جرم انگاری شده است. شیوه‌های متفاوت این جنحه، تا سه سال حبس می‌باشد.^۱

در این زمینه، قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۳۱ مقرر کرده است: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». در این ماده هرکس مرتکب جرم مخفی کردن کودک، عوض کردن کودک تازه متولد شده و طفل کسی را متعلق به دیگری قلمداد کند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

۴. سوءاستفاده از ضعف نفس

سوءاستفاده‌هایی که از ضعف نفس اطفال و افراد غیررشید می‌شود قانونگذار را برآن داشته است تا با وضع مقرراتی از آن جلوگیری کند. برای مثال ماده ۲۲۳ قانون جزای فرانسه سوءاستفاده محیلانه از طفل را جرم انگاری کرده است زیرا صغر سن، او را به طور خاص آسیب‌پذیر می‌سازد. در سوءاستفاده از حالت جهل باید شخص آسیب‌پذیر را واردار به موافقت با یک عمل مادی مثبت مانند هدیه یا کادو کرد.^۲ مجازات پیش‌بینی شده برای مرتکبان این جرم، حبس تا سه سال و اگر

این عمل تخلف از دستور دادگاه است و ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ماده واحده مربوط به حق حضانت مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۲ در مورد آن تعیین تکلیف نموده است و با توجه به جرم نبودن تخلف، موضوع از شمول مقررات ماده ۶۳۲ ق.م.ا. خارج است و دادیار و بازپرس باید ضمن صدور قرار منع پیگرد شاکتی را ارشاد نمایند به دادگاه صادر کننده حکم (برای اتخاذ تصمیم به الزام مستنکف) مراجعه نمایند. دادگاه نیز راساً دستور اجرای تصمیم خود را به هر ترتیب که مقتضی بداند به مأموران ذی ربط صادر می‌نماید. منظور از کس مذکور در ماده ۶۳۲ ق.م.ا. کسی غیر از والدین طفل می‌باشد.

۱. بوریکان، جک، پیشین، ص ۱۱۱.

۲. همان، ص ۱۱۱.

جرم با مدیریت عملی یا معنوی یک گروه ارتکاب یابد، مجازات به پنج سال حبس افزایش می‌یابد. اشخاص حقوقی نیز می‌توانند مسئول اعلام شوند. قانون مجازات اسلامی نیز سوء استفاده از ضعف شخصی و هوی و هوس افراد غیر رشید را جرم انگاری کرده است. ماده ۵۹۶ ق.م.ا. مقرر کرده است: «هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیررشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیرتجاری از قبیل برات، سفته، چک، حواله، قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برات ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می‌شود به هرنحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود». شرایط تحقق این جرم عبارت است از: نخست، عمل فزیکتی بزهکار در این ماده عبارت از اخذ سند یا نوشته‌ای که در مقام اثبات حق و اسقاط دعوا قابل استناد باشد. با این تفاوت که اگر فردی با استفاده از ضعف شخصی پول وی را از چنگش بیرون آورد مشمول این ماده نمی‌شود. ثانیاً، اشخاص غیررشید که در این ماده پیش‌بینی شده است اعم از سفیه و مجانین و نابالغ است، زیرا در غیر این صورت قانونگذار خود از واژه سفیه استفاده می‌کرد. همچنین، اشخاص سفیه در بین بقیه افراد کمتر نیازمند به حمایت هستند زیرا تنها از سلامتی عقل معاش برخوردار نیستند در حالی که بقیه از ضعف جسمانی و روانی نیز رنج می‌برند. ثالثاً، برای تحقق این جرم لازم است که نوشته یا سند موجب التزام شخص غیررشید شود. بنابراین، ورود ضرر بالفعل لازم نیست بلکه صرف احتمال ورود ضرر یعنی ضرر بالقوه کافی است.^۱

۵. تعرض و توهین به کودکان و ایجاد مزاحمت برای آنها

از جمله حمایت‌های کیفی که از اطفال در برابر بزه‌دیدگی شده است، حمایت از آنها در مقابل تعرض، توهین و ایجاد مزاحمت می‌باشد. ماده ۶۱۹ قانون مجازات در این زمینه مقرر کرده است: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد». در واقع، پیش فرض قانونگذار این بوده است که اطفال به دلیل موقعیت و وضعیت آسیب‌پذیری که از نظر روحی و اجتماعی دارند، بیشتر از بزرگسالان در

۱. میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴، صص ۱۷۵-۷۶.

معرض توهین، تعرض و ایجاد مزاحمت قرار می‌گیرند. در نتیجه، نیازمند حمایت‌های خاص در این زمینه می‌باشند.^۱

ب) جرایم علیه کودک در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

۱. شکنجه جسمی و روحی کودکان

یکی از مواردی که در راستای حمایت از کودکان، جرم انگاری شده است، شکنجه جسمی و روحی کودکان است. ماده چهار قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵ هرگونه شکنجه جسمانی و روانی کودک را ممنوع اعلام کرده است. مجازات کسی که مرتکب این جرم شود عبارت از سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی می‌باشد. پیش از این قانون، قانونگذار در مواد ۵۷۸ و ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی به جرم انگاری شکنجه جسمانی و روانی توسط مقامات و مستخدمین دولتی مبادرت کرده بود. اما از آنجا که اطلاق این ماده تنها مقامات و مستخدمین دولتی را در بر می‌گرفت، نیاز به جرم‌انگاری خاص در جایی که طفل توسط والدین یا اعضای دیگر جامعه تحت شکنجه جسمانی و روانی قرار می‌گرفت ضروری به نظر می‌رسید.

۲. ممانعت از تحصیل کودک

یکی از حقوق بنیادین شناخته شده برای کودکان و نوجوانان حق بر آموزش و تحصیل است. از این رو، دولت‌ها مکلف شده‌اند زمینه‌های لازم را برای آموزش تمامی اقشار جامعه مهیا سازند. در این زمینه قانون اساسی کشور مانیز در بند ۳ از اصل ۳ و اصل ۲۰ یکی از وظایف مهم دولت را فراهم ساختن زمینه‌های آموزش و پرورش رایگان دانسته است. اما ممانعت از تحصیل برای نخستین بار در قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ مورد حمایت کیفی قرار گرفت.^۲ ماده ۱ این قانون مقرر کرده بود: «کلیه اطفال و جوانان ایرانی که واجد شرایط تحصیل می‌باشند باید بدون هیچ گونه مانعی به تحصیل بپردازند و هیچ کس نمی‌تواند آنان را از تحصیل باز دارد، جز با مجوز قانونی». ولی در عمل دادگاه‌ها کمتر به این قانون توجه کرده‌اند که

۱. مدنی قهفرخی، سعید، امیرحمزه زینالی، آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران (با تأکید بر کودک آزاری)، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱.

۲. «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی». اصل سی ام - «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

۳. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳، ص ۲۴۸.

در نتیجه باعث متروک گردیدن آن شد تا اینکه بار دیگر قانونگذار برای حمایت از حق بر تحصیل افراد در ماده چهار قانون حمایت از کودکان و نوجوانان اقدام به جرم انگاری آن کرد. ماده ۴ بیان کرده است: «ممانعت از تحصیل کودکان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می گردد». در این ماده فرقی بین مرتکب جرم قائل نشده است و هرکس که مرتکب این رفتار شود قابل مجازات است.

۳. خرید و فروش کودک

پیش از تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تنها قانونی که به مسأله قاچاق و خرید و فروش کودکان پرداخته بود قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور و اصلاح بعضی از مواد قانون گذرنامه و قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران (۱۳۶۷) بود. در این قانون در صورتی که فرد عبور داده شده غیربالغ بود، مجازات مرتکب تشدید می شد. اما کاستی این قانون باعث شد قانونگذار اقدام به جرم انگاری خاص در زمینه خرید و فروش کودکان در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان کند تا از هر نوع خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری کند.

۴. بهره کشی از کودکان

یکی دیگر از رفتارهایی که در قانون حمایت از اطفال جرم انگاری شده است، بهره کشی از کودکان است. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هرگونه بهره کشی از کودکان را جرم دانسته است تا از سوءاستفاده هایی که ممکن از اطفال برای کسب سود اقتصادی بشود، جلوگیری کند. قبل از تصویب این قانون، ماده ۷۱۳ ق.م.ا. هرگونه سوءاستفاده از کودکان برای ارتکاب جرم تکدی را جرم انگاری کرده بود و برای آن مجازات سه ماه تا دو سال حبس تعیین کرده بود. در این ماده هرکس که کودکی را به تکدی گری بگمارد به سه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموال بدست آمده محکوم می شود. در واقع، در این ماده قانونگذار درصدد است با از بین بردن سود ناشی از چنین رفتاری، اشخاص را از ارتکاب آن بازدارد.

۱. ماده ۱ - «هر کس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفرهای ذیل محکوم خواهد شد. د- در صورتی که فرد عبور داده شده غیر بالغ باشد، مرتکب به حبس از ۳ تا ۵ سال محکوم خواهد شد».

۲. «ماده ۷۱۳ - هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد».

۵. به کارگیری کودکان برای ارتکاب اعمال خلاف

از جمله سوء استفاده‌ها از اطفال، به کارگیری آنها برای ارتکاب اعمال خلاف است. در بسیاری از موارد بزه‌کاران از وضعیت کودکان استفاده کرده و آنها را برای ارتکاب جرایمی مانند قاچاق مواد مخدر، توزیع مواد مخدر، سرقت و جیب‌بری به کار می‌گیرند. اما جرم‌انگاری به کارگیری کودکان برای ارتکاب جرم به صورت مستقل برای نخستین بار در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان جرم‌انگاری شده است. ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هرگونه به کارگیری کودکان را برای ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات شش ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال تعیین کرده است.

۶. صدمه به سلامتی و بهداشت کودک

جرم صدمه به سلامتی و بهداشت کودک یکی از جرایمی است که قانونگذار آن را پیش‌بینی کرده است. این جرم به صورت ترک فعل در قانون جزای فرانسه مانند سلب غذا و خوراک یا مراقبت از کودک مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۷-۲۲۷ قانون جزا در این زمینه مقرر کرده است: «عمل پدر یا مادر در خوداری از انجام تکالیف قانونی بدون عذر موجه، به گونه‌ای که به سلامت، امنیت، اخلاقیات یا آموزش کودک خود را به مخاطره اندازد». این تکالیف قانونی، مربوط به انجام صلاحیت و اختیارات والدینی؛ مانند تغذیه، نگهداری، تربیت کودکان، مراقبت، تامین امنیت، بهداشت و اخلاقیات آنهاست. مجازات پیش‌بینی شده برای این جرم، دو سال حبس و ۳۰۰۰۰ یورو جزای نقدی است. ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در این زمینه مقرر کرده است: «هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». بنابراین، هر نوع رفتاری که بهداشت جسمانی و روانی کودک را به خطر بیاندازد جرم به حساب می‌آید و فرقی نمی‌کند که مرتکب آن چه کسی باشد.

بند دوم: سازوکار تشدید مجازات

الف) ربودن

یکی از جرایم علیه اطفال، ربودن است. ربایش اطفال به بهانه‌های مختلف مانند کسب سود، انتقام‌گیری و آزار و اذیت صورت می‌گیرد. این جرم از سوی دو گروه قابل ارتکاب است: نخست، والدین طفل و دوم اینکه شخص ثالث. ربایش طفل توسط والدین به صورت یک جرم مجزا در

قوانین برخی از کشورها پیش‌بینی شده و برای آن مجازات تعیین شده‌است. برای مثال، ماده ۲۲۷ قانون مجازات فرانسه جرم ربایش طفل توسط هر یک از والدین را جرم‌انگاری و برای آن مجازات تا دو سال حبس تعیین کرده است. در صورتی که طفل بیش از ۵ روز نگهداری شود مجازات به ۳ سال حبس افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، جرم ربایش از سوی شخص ثالث نیز قابل تحقق است. قانون مجازات فرانسه برای ربایش فرد توسط شخص دیگر کیفر تا ۵ سال حبس را مقرر کرده است و در حالتی که هیچ‌گونه رابطه خانوادگی بین بزهدیده و بزهدکار وجود نداشته باشد، مجازات تشدید می‌شود.^۱ در قانون مجازات اسلامی، طفل بودن فرد ربوده شده از جمله عوامل تشدید مجازات است. ماده ۶۲۱ قانون مجازات در این زمینه مقرر کرده است: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را برآید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است». با توجه به این ماده به نظر می‌رسد که عبارت هر کس که در صدر ماده آمده است کلیه کسانی که مرتکب این جرم شوند اعم از والدین و شخص ثالث را در بر می‌گیرد. بنابراین، در صورتی که والدین طفل نیز مرتکب ربایش طفل شوند با تشدید مجازات روبرو خواهند شد. اما در این ماده قانونگذار سن کمتر از ۱۵ سال را عامل تشدید قرار داده است که این سن در بین پسر و دختر یکسان است و تفاوتی در این زمینه بین آنها نگذاشته است. از سوی دیگر، برخی براین عقیده‌اند از آنجاکه این تعزیر مبنای شرعی ندارد، مراد از سال را باید سال شمسی و نه قمری دانست. به علاوه به نظر می‌رسد علم مرتکب به سن مجنی علیه ضرورت ندارد و این تشدید در هر حال بر او بار خواهد شد.^۲

ب) وادار کردن به مصرف مواد مخدر
حس کنجکاوی و تقلید کودکان از بزرگسالان، در برخی از موارد بزرگسالان را به سوءاستفاده از این وضعیت روحی کودکان متمایل می‌کند مانند تحریک به استفاده از مواد مخدر. از این رو، مقنن برای حمایت از اطفال، رفتار کسانی را که از وضعیت کودک کی شخص سوءاستفاده می‌کنند،

۱. بوریکان، جک، پیشین، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۹۸.

جرم‌انگاری کرده یا آن را از موارد تشدید مجازات قرار داده است. مصرف مواد مخدر و تحریک به آن یکی از مواردی است که در سال‌های اخیر مورد توجه مقنن قرار گرفته است. در کشور فرانسه، همیشه بیم‌گرایی به سمت محصولات بسیار خطرناک مانند هرئین در کودکان وجود داشته است. از این رو، هرگونه تحریک به استفاده از موارد مخدر جرم‌انگاری و برای آن مجازات ۵ سال حبس و ۱۰۰۰۰۰ یورو جزای نقدی پیش‌بینی شده است. اگر کودک کمتر از ۱۵ سال داشته باشد یا جرم در داخل یا اطراف موسسه آموزشی صورت پذیرد، مجازات به ۷ سال حبس و ۱۵۰۰۰۰ یورو جزای نقدی افزایش پیدا می‌کند.^۱ در این زمینه، نظام حقوقی کشور ما با تصویب اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب (۱۳۷۶)، در ماده ۳۵ آن به جرم‌انگاری اجبار اطفال کمتر از ۱۸ به مصرف مواد مخدر پرداخته و آن را یکی از علل تشدید برای مجازات قرار داده است. در ماده ۳۵ مقرر شده است: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود». در این ماده، عبارت هرکس، اعم از والدین طفل و شخص ثالث است. همچنین، عامل تشدید نوعی است و نسبت همه افراد قابل اعمال است. از سوی دیگر، در صورتی که شخصی، کودکی را ترغیب به مصرف مواد مخدر کند به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.

ج. قاچاق

یکی از مصادیق قاچاق که در چند سال اخیر رواج یافته است، قاچاق انسان است. در این میان کودکان به دلیل اغوا سریع توسط باندهای قاچاق در معرض خطر بیشتری نسبت به دیگر اعضای جامعه قرار دارند. از این رو، قانونگذار برای حمایت بیشتر از این قشر اقدام به تشدید مجازات قاچاق، در صورتی که بزه‌دیده کودک باشد کرده است. در این زمینه، تبصره ۱ ماده ۲ قانون قاچاق انسان (۱۳۸۳) تصریح کرده است: «چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود. مجازاتی که برای مرتکب این جرم در نظر گرفته شده است

۱. پرادل، ژان، جرایم علیه اشخاص، ترجمه مجید ادیب، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۰۵.

عبارت است از دو تا ده سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است. اما این تبصره با ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان^۱ در تعارض است زیرا ماده ۳ هر گونه خرید و فروش کودکان را به منظور اعمالی مانند قاچاق را جرم‌انگاری کرده است و برای آن مجازات شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال و جبران خسارت وارده را تعیین کرده است. ولی به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه قانون قاچاق انسان بعد از قانون حمایت از کودکان و نوجوانان به تصویب رسیده است و هر دو قانون به صورت خاص برای حمایت از اطفال وضع شده‌اند برای رفع تعارض باید گفت که قانون قاچاق انسان بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان غلبه دارد، زیرا مصلحت حمایت از اطفال در مقابل جرم قاچاق قانونگذار را بر آن داشته تا مجازات سنگین‌تری برای این جرم تعیین کند.

بند سوم: سایر سازوکارهای حمایتی

الف) حمایت‌های مالی

یکی از روش‌های حمایتی معمول از بزه‌دیدگان حمایت‌های مالی است. در بسیاری از موارد جرم آثار زیان باری را بر روی بزه‌دیده می‌گذارد که برطرف کردن آنها نیازمند صرف هزینه‌های هنگفت است.^۲ این هزینه‌ها در جایی که شخصیت بزه‌دیده عامل اصلی بزه‌دیدگی به حساب می‌آید، بیشتر است. کودکان و نوجوانان نیز چون در سنی قرار دارند که پیامد حوادث ناگوار مانند بزه‌دیدگی آثار مخربی بر روی جسم و روان آنها می‌گذارد نیازمند حمایت‌های مالی خاص در این زمینه هستند، زیرا وضعیت روحی و روانی آنها باعث می‌شود زمان بیشتری برای درمان و بهبود سلامت روانی آنها سپری شود که همگی این اقدامات نیازمند هزینه است.

ب) حمایت‌های عاطفی و روانی

کودکان به دلیل برخوردای از شخصیت شکننده و آسیب‌پذیر، زمانی که آماج بزه قرار می‌گیرند لطمات روحی و روانی شدیدی را می‌بینند که آثار آن در صورتی که تدابیر حمایتی لازم به کار گرفته نشود سالها در ذهن و روان کودک باقی می‌ماند و در رشد جسمانی و روانی وی اختلال ایجاد می‌کند. گاهی حتی این امر ممکن است باعث گرایش به بزهکاری در آینده شود. از این رو،

۱. ماده ۳- هر گونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب، حسب مورد علاوه بر جبران خسارت وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا به جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

۲. رایجیان اصل، مهرداد، بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال هشتم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۳۳.

بازگشت مجدد آنها به آغوش جامعه و برخورداری از سلامت جسمانی و روانی نیازمند حمایت‌های عاطفی و روانی از آنهاست. حمایت‌های عاطفی و روانی می‌تواند در غالب مشاوره‌های روان درمانی، مشاوره‌های خانوادگی و مدرسه تحقق یابد. در این مشاوره‌ها باید هدف عمده بهبود وضعیت روحی و جسمی طفل باشد.

ج) حمایت‌های پزشکی

یکی دیگر از روش‌های حمایت از بزهدیدگان، حمایت‌های پزشکی از آنها بعد از بزهدیدگی است. این حمایت‌ها زمانی است که به بزهدیده از جرم آسیب‌های جدی جسمانی وارد می‌شود و نیاز به خدمات پزشکی ضروری است. در این زمینه، ارائه مراقبت‌های فوری پیش از بیمارستان و فوریت‌های پزشکی می‌تواند میزان مرگ و میر ناشی از جرایم را تا حد زیادی کاهش داده و بهبود صدمات وارده منجر شود. در این موارد حمایت پزشکی از کودکان در تسریع درمان وی و رفع آثار بزه موثر خواهد بود مانند پذیرش سریع بزهدیدگان کودک توسط بیمارستانها، ارائه خدمات درمانی رایگان و بستری کردن او تا زمانی که بهبودی خود را بدست آورد. همچنین، حمایت‌های پزشکی می‌تواند در بُعد روانی نیز با ارائه مشاوره‌های روانی رایگان انجام گیرد.

د) حمایت از کودکان در برابر خشونت

خشونت از جمله تهدیداتی است که کودکان با آن مواجه هستند. خشونت علیه کودکان در بسترهای مختلفی ممکن است اتفاق افتد مانند خانواده، مدرسه و محیط‌های آموزشی، مراکز مراقبتی و تربیتی، محیط کار و جامعه. خانواده همانطور که می‌تواند محیطی امن برای رشد و شکوفایی کودک باشد می‌تواند محلی برای اعمال خشونت علیه کودک نیز باشد. اصل ۱۹ پیمان نامه حقوق کودک در تعریف خشونت علیه کودک بیان داشته است: «خشونت عبارت است از هر نوع خشونت جسمی یا روانی/ذهنی، صدمه و سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار از روی بی‌توجهی، سوءرفتار یا استعمار، از جمله استعمار جنسی». همچنین، در این تعریف از عناصر به کار رفته در تعریف گزارش جهانی در زمینه خشونت و سلامت (۲۰۰۲) نیز استفاده شده که در آن خشونت عبارت دانسته شده از: «استفاده تعمدی از نیروی جسمی، چه فقط به تهدید منتهی شود و چه به صورت واقعی اتفاق بیافتد، توسط یک فرد یا گروه، که به صورت حتم و یا احتمالاً منجر به وارد شدن صدمه و آسیب به سلامتی، بقا، رشد و یا کرامت انسانی کودک شود»^۱. در زمینه

۱. پینه ور، پائولو سرجیو، گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان، ترجمه علیرضا یارپرور، یونیسیف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، تهران، ۱۳۸۷، ص ۴.

حمایت از کودکان در برابر خشونت در قوانین جزایی ما مقررات خاصی پیش بینی نشده است. این در حالی است که کودکان بیشترین لطمه را از خشونت‌های خانگی، مدرسه و محیط‌های آموزشی، محیط کار و جامعه می‌بینند. از این رو، آنها نیازمند حمایت‌های خاص قانونی، مالی، پزشکی و روحی و روانی در این زمینه هستند.

۵) حمایت‌های محیطی

پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال، مستلزم حمایت‌های محیطی از آنها است. در این حمایت‌ها بر ایجاد یک محیط امن در برابر تجاوز، خشونت و سوءاستفاده تاکید می‌شود. حمایت محیطی شبیه یک شبکه حمایتی است که هر بخش آن وظیفه خاصی را برعهده دارد. حمایت‌های محیطی به طرق مختلفی صورت می‌گیرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ایجاد ظرفیت‌های دولتی^۱ یا به عبارت دیگر NGOs با تشکیلات مستقل اداری و شرح وظایف خاص که هدف اصلی آنها حمایت از اطفال در برابر تجاوز، خشونت و سوءاستفاده باشد
۲. قانونگذاری و اجرای آن؛ نهادهای قانونگذار باید با آگاهی کافی از شرایط و موقعیت‌های که احتمال بزه‌دیدگی اطفال در آن می‌رود نسبت به حمایت قانونی از آنها اقدام کنند.
۳. فرهنگ و عرف؛ فرهنگ و عرف نیز نقش بسزایی در حمایت‌های محیطی از اطفال ایفاء می‌کنند. در برخی از فرهنگ‌ها و عرف‌ها رویه‌های خاصی برای حمایت از اطفال وجود دارد که شناسایی و معرفی آنها می‌تواند در ایجاد طرح جامع حمایتی از اطفال کارآمد باشد. همچنین، در برخی از عرف‌ها، رویه‌هایی وجود دارد که شرایط بزه‌دیدگی را تسهیل می‌کند.
۴. بحث‌های آزاد؛ یکی از عوامل اصلی بزه‌دیدگی اطفال عدم وجود بحث‌های آزاد در جامعه، مدارس و رسانه‌ها در این رابطه است. بیشتر اطفال در اثر بزه‌دیدگی به سکوت فرو می‌روند و قدرت بیان آنچه را که اتفاق افتاده است، ندارند. مشارکت اطفال در بحث‌های آزاد باعث شناسایی هر چه بهتر موقعیت‌هایی می‌شود که احتمال بزه‌دیدگی اطفال در آنها بیشتر است. در این بحث‌ها باید به اطفال مجال بیان داده شود تا میزان لطمات روحی و روانی ناشی از بزه‌دیدگی را بیان کنند و از حمایت‌های که قانون برای آنها در نظر گرفته است، آشنا شوند.
۵. آموزش مهارت‌های زندگی به اطفال؛ هدف برنامه‌های ارتقاء مهارت‌های زندگی، افزایش توانایی‌ها و قابلیت‌های اطفال در تصمیم‌گیری و رفتار قابل قبول در ارتباط با دیگران است. به عبارت دیگر، این برنامه‌ها، توانایی تصمیم‌گیری اطفال را در موقعیت‌های ریسک افزایش می‌دهند.

1. Government Commitment and Capacity
2. Legislation and Enforcement
3. Culture and Customs
4. Open Discussion
5. Children's Life Skills

۶. خدمات ضروری؛ ارائه خدماتی مانند بهداشت و آموزش تا حد زیادی از بزه‌دیدگی اطفال جلوگیری می‌کند. آموزش عامل مهمی در کاهش بزه‌دیدگی در دوران طفولیت و بزرگسالی است، زیرا درجه اطلاعات و آگاهی افراد را بالا می‌برد و همین امر درصد موفقیت بزه‌کاران را کاهش می‌دهد.

۷. کنترل و نظارت؛ ایجاد نهادهای کنترل و نظارت نسبت به بزه‌دیدگی اطفال و گزارش آنها، اطلاعات موجود در رابطه با بزه‌دیدگی اطفال را افزایش می‌دهد.^۳

نتیجه

از آنچه که گفته شد این نتایج بدست می‌آید:

۱. حمایت از کودک و بویژه کودک بزه‌دیده نیازمند تعیین سن دقیق کودکی است تا اختلاف نظرها نسبت به شناسایی وی برای بهره‌مندی از حقوق تعیین شده در قانون از بین برود.
۲. نظام عدالت کیفری، سه نوع بزه‌دیده را شناسایی کرده است: طفل بزه‌کار یعنی طفلی که مرتکب رفتار بزه‌کارانه شده و نیازمند حمایت‌های خاص است. طفل بزه‌دیده، یعنی طفلی که آماج جرم بوده و آسیب‌های جسمانی و روانی به او وارد شده که نیازمند حمایت‌های قانونی است. طفل در معرض خطر، یعنی طفلی که سلامت جسمانی، روانی و اخلاقی و تربیتی او در معرض خطر قرار دارد.
۳. نظام‌های حقوقی ساز و کارهای مختلفی برای حمایت از اطفال را پیش بینی کرده‌اند مانند سازوکار تشدید مجازات و جرم‌انگاری.
۴. از طریق حمایت از اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرایم علیه اطفال مانند آموزش خانواده‌ها و والدین طفل درباره اهمیت دوره کودکی و تاثیر آن در بزرگسالی فرد، حمایت از برنامه‌های اداری و قضایی برای اطفال در معرض خطر، حمایت از تدابیری که درصدد ایجاد محیط‌های امن برای کودکان و نوجوانان هستند، جلوگیری از قاچاق کودکان و مجازات قاطعانه خاطیان، از بین بردن عوامل خطرزا محیطی و اجتماعی برای کودکان، می‌توان از بزه‌دیدگی آنها جلوگیری کرد.
۵. نظام حقوق کیفری کشور ما نیز در پرتو اسناد بین‌المللی برای حمایت از کودکان بزه‌دیده گام‌های بلندی برداشته است مانند جرم‌انگاری جرایمی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد. این جرم‌انگاری‌ها در دو سطح قابل مشاهده است، یکی در قانون مجازات و دیگر در قوانین خاص برای حمایت از کودک مانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان.

1. Essential Services

2. Monitoring and Oversight

3. Landgren, Karin, **the Protective Environment: Development Support for Child Protection**, Human Rights Quarterly, Volume 27, Number 1, 2005, p.p.228-241.

۶. باید یادآوری کرد که حمایت‌های قانونی تنها بخشی از حمایت‌های شناخته شده برای بزه‌دیدگان و بویژه اطفال بزه‌دیده است. قانونگذار می‌تواند کودکان بزه‌دیده را زیر چتر حمایت‌های مالی، پزشکی و درمانی قرار دهد و بهبود وضعیت بزه‌دیدگی آنها را تسریع بخشد.

منابع

- آقابابایی، حسین، «گفتن فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، **مجله فقه و حقوق**، سال دوم، تابستان ۸۴
- بوریگان، جک، «کودک بزه‌دیده در حقوق کیفری فرانسه»، ترجمه عباس تدین، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- پردل، ژان، **جرایم علیه اشخاص**، ترجمه مجید ادیب، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- رایجیان اصل، مهرداد، «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، سال هشتم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
- ژان-ایولاسان، «صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه: مددکاری تربیتی»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- سر جیو پینه ور، پائولو، **گزارش جهانی در مورد خشونت علیه کودکان**، ترجمه علیرضا یارپرور، یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، تهران، ۱۳۸۷.
- گلدوزیان، ایرج، **بایسته‌های حقوق جزا**، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۶.
- _____، **حقوق جزای اختصاصی**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
- لیز، ژرار، ژینا فیلزولا، **بزه‌دیده و بزه‌دیده شناسی**، ترجمه روح الدین کردعلیوند، احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- مدنی قهفرخی، سعید، امیر حمزه زینالی، **آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران (با تاکید بر کودک آزاری)**، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- موسوی بجنوردی، آیت الله سید محمد، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌مندی از حقوق مربوطه حقوق کودک»، حقوق کودک (مجموعه مقالات)، مرکز کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات سنا، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- میر محمد صادقی، حسین، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴.
- _____، **جرایم علیه اشخاص**، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- Cipriani, Don, **Children's rights and the minimum age of criminal responsibility: a global perspective**, Ashgate Publishing, 2009.
- Lab, Steven P. & John T. Whitehead, **juvenile justice**, 21st century criminology, editor, J. Mitchell Miller, SAGE Publications, 2009.
- Finkelhor, David, with contributors, **Childhood victimization: violence, crime, and abuse in the lives of young people**, Oxford University Press, 2008.
- Landgren, Karin, **the Protective Environment: Development Support for Child Protection**, Human Rights Quarterly, Volume 27, Number 1, 2005.